

روز شمار

چهارشنبه

۵۸/۲/۱۹

۱۲ جمادی الثانی ۱۴۹۹

۹ مه ۱۹۷۹

۲۴



عبدالرحمن قاسملو

دبیر کل حزب دمکرات کردستان

دکتر "عبدالرحمان قاسملو" دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران که حزبش در وقوع حوادث کردستان بویژه درگیری‌های نقده نقش اصلی را داشته است. اخیراً همراه هیئت نمایندگی حزب دمکرات کردستان* با امام خمینی و آیت الله شریعتمداری ملاقاتی داشت و پس از پایان ملاقات در یک مصاحبه مطبوعاتی در تهران که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد، در مورد نتایج این مذاکرات و نیز حوادث اخیر شهر "نقده" سخن گفت. وی خواسته‌های حزب را به این شرح مطرح کرد:

« ۱ - درخواست اعلام موافقت با خودمختاری کردستان در چارچوب کشور ایران

از طرف شخص امام؛ ۲ - خودداری دولت از فرستادن ارتش به مناطق کردنشین و جلوگیری از تجدیدفعالیات ژاندارمری و شهربانی به شکل سابق؛ ۳ - اتخاذ تصمیم برای تشکیل شورای

* برای اطلاع بیشتر از ماهیت و عملکرد حزب دمکرات کردستان ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و چگونگی آغاز اولین حرکت مسلحانه علیه نظام جدید به جلد اول این مجموعه از روزشمار بویژه ضمیمه خبر شماره ۱۰۴ تحت عنوان تاریخچه، شکل‌گیری، اهداف، برنامه‌ها و عملکرد حزب دمکرات کردستان ایران در صفحات ۱۷۲ - ۱۷۱ کتاب مذکور مراجعه شود. به سوابق عقیدتی و عملکرد عبدالرحمن قاسملو دبیر کل حزب دمکرات در جلد سوم این مجموعه که به بحران کردستان اختصاص دارد، به طور مشروح پرداخته می‌شود.

مشترک اهالی ترک و کرد در شهر "نقده"؛ ۴ - تشکیل نیروی انتظامی مرکب از افراد بومی در کردستان؛ ۵ - اتخاذ تصمیم نسبت به اجرای برنامه‌های کردی در رادیو تلویزیون و رفع ممنوعیت پخش برنامه‌های کردی از رادیو تلویزیون . «

قاسملو گفت: «ما از امام تقاضا کردیم برای روشن شدن واقعیت و برای این که به رفع نفاق و کدورت بین دو خلق کرد و ترک کمک شود هیئتی از سوی خود به کردستان بفرستند و ایشان این تقاضای ما را قبول کردند و در همین روزهای نزدیک این هیئت به منطقه خواهد رفت . «

قاسملو در مورد حوادث شهر نقده کوشید تا حزب خود را از اتهامات وارده مبری کند و تقصیر را به گردن نیروهای مذهبی - انقلابی بیندازد . وی در این باره اظهار داشت: «ما سعی کردیم بعد از تیراندازی، میتینگ را به حالت عادی برگردانیم و موفق شدیم . اما باز شروع شد و معلوم شد توطئه‌ای در کار است، توطئه‌ای بسیار بزرگتر از آنچه که ما فکرش را نمی‌کردیم ... مسلح بودن بعضی از افراد شرکت کننده در میتینگ نمی‌تواند دلیلی برای به وجود آوردن حادثه نقده باشد . «

وی در مورد دخالت ارتش در نقده گفت: «روز یکشنبه (۵۸/۲/۲) ارتش تصمیم به دخالت گرفت با آن که آتش بس برقرار شده بود و این دخالت علی‌رغم تلگراف‌های ما به مقامات مختلف و حتی امام که خواستار کنار ماندن ارتش شده بودیم که مبادا بی طرفی را از دست بدهد، انجام شد و ارتش از ارومیه به طرف نقده روانه شد و ما که همیشه پشتیبان دولت انقلابی مهندس بازرگان بوده و هستیم، یکی از اعضای حزب را فرستادیم که به همراه ارتش به نقده برود ولی وقتی دوست ما به ارتش برخورد در سه راه نقده مشاهده کرد که عده زیادی از مجاهدین ارومیه با ارتش هستند که اگر دخالت ارتش نبود، این عضو ما را آنها کشته بودند . « قاسملو اضافه کرد: «ارتش به منطقه کردنشین رفت و به خلاف ادعای فرمانده لشکر، دخالت کرد و دهات و روستاهای کردنشین را زیر آتش گرفت که بسیاری از کردها کشته شدند . « وی ادعا کرد: «در جریان حوادث نقده، تانک‌ها و زره پوش‌های ارتش در اختیار افراد مجاهد * بود و آنها را رهبری کردند . « وی در مورد چشم انداز آینده کردستان گفت: «اگر دولت اقدام سریع و جدی به عمل نیآورد و اجازه بدهد تحریکات ادامه پیدا کند، من بسیار بدبین هستم . ولی امیدوارم دولت توجه کند و امیدوارم اعزام دو هیئتی که از سوی امام خمینی و حضرت آیت الله شریعتمداری به کردستان خواهند آمد، برادری و صلح را در این منطقه استقرار دهد . «

قاسملو برای حل و فصل بحران کردستان پیشنهاد کرد: «۱ - برای رفع نگرانی خلق‌های تحت ستم ملی از دولت می‌خواهیم موضع خود را در مورد خواست خودمختاری که از طرف حزب ما ارائه شده روشن نماید . ۲ - دولت از فرستادن نیروهای ارتشی، هواپیما، هلی‌کوپتر، مجاهد و پاسدار، که عملاً به عللی از حدود بی طرفی عدول نموده و خواهند نمود، به نقاط مختلف کردستان خودداری نماید . ۳ - فرمانده لشکر ارومیه که در حوادث نقده شرکت و دخالت مستقیم

* در اینجا منظور از مجاهد پاسداران محلی و نیروهای داوطلب، غیر از نیروهای مسلح رسمی است (مرکز).

داشته و همچنین محرکین و عاملین توطئه و کشتار بی رحمانه دو طرف تعقیب و مجازات شوند. ۴ - کمیته‌های انقلاب ارومیه و نقده از عناصر اخلاک‌گر و ساواکی‌های سابق تصفیه گردد. ۵ - دولت هیئتی را برای مذاکره پیرامون برقراری آرامش در منطقه و بحث در موضوع خودمختاری به مهاباد اعزام دارد. ۶ - دولت فورا وسایل بازگشت و تامین جانی آوارگان نقده به نواحی مورد سکونت خود در شهر و دهات و پرداخت خسارات جانی و مالی ناشی از گسترش توطئه را فراهم نماید. ۷ - برای تامین نظم در منطقه نقده و برقراری آرامش و بسط تفاهم بین دو خلق کرد و آذری بویژه در این شهرستان، ترتیب انتخاب شورای مشترکی از نمایندگان راستین ترک و کرد و سپردن اداره‌امور شهر و منطقه را به آن شورا بدهد. ۸ - خروج کلیه نیروهای غیربومی پس از تشکیل شورا و نیروی انتظامی و خلع سلاح افراد ناصالح برابر نظر و تشخیص شورا و ایجاد یک واحد گارد ملی منتخب شورا به عنوان نیروی اجرایی. ۹ - اتخاذ تدابیر لازم برای برقراری ارتباط مستقیم و فوری نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران با دولت و هیئتی که از طرف دولت به منظور رسیدگی به وضع کردستان انتخاب شده است. « (۱)

گزارش دیگری از مصاحبه قاسملو با خبرنگاران حاکی است: وی از خبرنگاران خواست تا به نواری که دستورهای فرمانده لشکر در مورد تیراندازی به مردم نقده در آن ضبط شده بود، گوش دهند. پس از شنیدن نوار، قاسملو گفت: «آنچه که برای ما مسلم است این است که ارتش آن موقع مستقیم در حوادث نقده دخالت داشته و در جریان دخالت نیروهای ارتش، آنها رعایت بی طرفی را نکرده‌اند چون در نواری که شنیدید مرتب صحبت از دستور تیراندازی به طرف کردها و دستگیری آنهاست و برخلاف آنچه که گفته می‌شود که مجاهدین از طریق هلی کوپتر تیراندازی کرده‌اند، تنها ارتش هلی کوپتر در اختیار دارد و تیراندازی‌ها توسط نیروهای ارتش بود نه مجاهدین، بنابراین برای ما مسلم است که نیروهای ارتش مردم نقده را از هلی کوپترها مورد تیراندازی قرار داده‌اند.» قاسملو در بخش دیگری از سخنان خود در مورد عواملان بروز حوادث نقده گفت: «کمیته انقلاب شهر ارومیه نقش مهمی در بروز برادرکشی‌های نقده داشته است. افرادی از قبیل حسنی، معبودی، قطاری و... با نفوذ در کمیته انقلاب مهاباد، جنگ نقده را راه انداختند. ما کمیته انقلاب ارومیه را که افرادی ضدانقلابی به آن راه یافته‌اند، عامل اصلی این جنگ و برادرکشی می‌دانیم.» (۲)

۲۵

به دنبال انتشار شایعه سربریدن جمعی به دست نیروهای ارتش در خلال درگیری در نقده، شیخ عزالدین حسینی امام جمعه مهاباد طی اطلاعیه‌ای این شایعه را تکذیب و اعلام کرد: «حادثه اسفبار نقده که بر اثر جنگ تحمیلی بر برادران ترک و کرد و دخالت ارتش به آوارگی کردهای نقده منجر گردید، بر همه آشکار است.» در اعلامیه تاکید شده است که شواهد و مدارکی در دست اهل محل می‌باشد از جمله نوارهای ضبط شده در محل حادثه گواه بر این است که تانک‌ها به اطراف حمله ور شده‌اند. اما در مورد خبری که درباره سر بریدن مردم به دست ارتش قدرت گرفته، از



احمد صدر حاج سید جوادی

وزیر کشور دولت موقت

طرف محقق و معلوم شد که شایعه می‌باشد و باعث چنین شایعه‌ای رفتار خشونت بار ارتش بوده است. (۲)

۲۶

کمیسیون هفتگی مربوط به بررسی اوضاع استان کردستان با حضور وزیر خارجه، کار، رئیس ستاد ارتش و فرماندهی ژاندارمری در دفتر احمد صدر حاج سید جوادی وزیر کشور تشکیل شد، در این جلسه در مورد مسائل نکرده و لزوم اقداماتی جهت ایجاد آرامش در منطقه، پس از مذاکرات لازم با استقرار نیروهای ارتش و همچنین تقویت نیروهای ژاندارمری در محل موافقت گردید. (۴)

۲۷

شورای ۱۱ نفری اداره شهر سنندج در تلاش

است نیروهای انتظامی شهر را زیر پوشش خود قرار دهد. سخنگوی این شورا در این باره گفت: «از آن جا که آیین نامه‌های شورای شهر، هنوز از طرف دولت ابلاغ نشده، فعلا با صدور اطلاعیه‌ای از پرسنل شهربانی و ژاندارمری دعوت کردیم خود را به شورا معرفی کنند تا پس از نام نویسی با بررسی‌های لازم و تایید مردم، به خدمت گمارده شوند.» وی افزود: «چنانچه از حیث پرسنل انتظامی در مضیقه باشیم، از پاسداران واجد شرایط استخدام خواهیم کرد.»

اعضای این شورا که (در راستای اهداف شورا) بازسازی نیروهای مسلح رامدنظر دارند تاکید کردند که پرسنل انتظامی باید از غربال شورا بگذرند و تصفیه شوند.

در همین حال به گزارش روزنامه اطلاعات، در نشست اعضای این شورا با فرماندهان ژاندارمری کل کشور، ناحیه ژاندارمری کردستان و هنگ ژاندارمری سنندج سرتیپ «صدیقی» مشاور فرماندهی ژاندارمری کل کشور پیشنهاد کرد پاسگاه ژاندارمری سنندج که در اختیار جمعیت دفاع از آزادی این شهر [شاخه کومه‌له - مرکز] می‌باشد، به ژاندارمری تحویل گردد. وی تاکید کرد استرداد خودروهای نظامی به ژاندارمری نیز بسیار ضروری است و لازم است که نیروهای غیرنظامی بتدریج کنار روند و انتظامات در حد امکان به افراد نظامی خوشنام سپرده شود. در همین نشست فرمانده ناحیه ژاندارمری کردستان گفت: «برای حفظ امنیت راه‌های کردستان نفربرهای ارتش به طور مرتب در فواصل شهرهای استان رفت و آمد می‌کنند و هر شب یکی از افسران» اداره این نفربرها را به عهده دارد. «وی اضافه کرد: «دخالت افراد قیاده موقت در مسائل کردستان و همچنین استخدام این افراد به عنوان چریک جوانمرد صحت ندارد. اصولا



نورالدین کیانوری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

استخدام این قبیل افراد شرایطی دارد که ایرانی بودن و عدم وابستگی سیاسی به خارج، از آن جمله است. « (۵)

۲۸

“نورالدین کیانوری” دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در مصاحبه‌ای با “ریچارد والیس” خبرنگار خبرگزاری رویتر در تهران، به سئوالات وی درباره مسائل مختلف پاسخ داد. بخش‌های مهم این مصاحبه به شرح زیر است:

س: عقیده شما درباره گسترش آنتی کمونیسم در میان هواداران اسلام، که تظاهر آن در شعارهای ضد توده‌ای در میان مراسم سوگواری مطهری دیده شد، چیست؟

ج: فاشیست‌ها، نیروهای راست، عمال ساواک و امپریالیسم همیشه وجود دارند. ولی

این شعارها احساسات مردم و هواداران واقعی اسلام را منعکس نمی‌کند.

س: موضع حزب شما درباره حق خودمختاری برای اقلیت‌های ملی چیست؟

ج: حزب ما نخستین حزب سیاسی ایران است که حق خودمختاری اداری و فرهنگی را در چارچوب وحدت ملی و در داخل مرزهای کنونی ایران، در برنامه خود وارد کرده است. ما با تمام اشکال تجزیه طلبی مخالفیم.

س: ریشه‌های مسئله کردستان چیست؟

ج: در بین کردها گرایش‌های گوناگون با روش‌های سیاسی گوناگون وجود دارد. قبل از همه خلق کرد است که در مبارزه برای استقلال ملی، دموکراسی و خودمختاری متحد است. ما از این مشی پشتیبانی می‌کنیم. ولی گرایش‌های دیگری هم در بین کردها و همچنین ترکمن‌ها وجود دارد که با مرتجعین همکاری می‌کنند. این نیروهای ارتجاعی می‌خواهند از اقلیت‌های ملی و مبارزه آنها برای حاکمیت خود، به منظور دفاع از منافع بسیار محدود طبقاتی خود استفاده کنند. ما از آنها نه تنها پشتیبانی نمی‌کنیم، بلکه علیه آنها مبارزه می‌کنیم. این جنبش‌ها از جانب امپریالیسم و عمال ساواک پشتیبانی می‌شوند و هدف آنها گرم کردن آتمسفر سیاسی و بی ثبات کردن وضع در ایران است. آنها می‌خواهند در برابر تجدید سازمان اقتصادی و اجتماعی کشور مانع ایجاد کنند. ما از این وضع خیلی نگرانیم.

س: وضع هواداران حزب توده ایران در نیروهای مسلح چگونه است؟ آیا حزب قصد دارد

سازمان نظامی خود را دوباره ایجاد کند؟ روش حزب نسبت به نیروهای مسلح چیست؟

ج : حزب توده ایران سازمانی در نیروهای مسلح ندارد و قصد هم ندارد که سازمان نظامی خود را دوباره ایجاد کند . در ارتشی که پشتیبان انقلاب است ، نیازی به چنین سازمانی نیست . ما معتقدیم که در بین افسرانی که در دوران اخیر سیاسی شده‌اند ، گرایش‌های مترقی و دمکراتیک نیرو می‌گیرد . ما خیلی خوشحالیم که افسران سیاسی شده‌اند . این راهی است برای ایجاد پیوند بین ارتش و مردم . ولی جریان دیگری هم در ارتش وجود دارد که درست در نقطه مقابل این وضع است . هنوز افسرانی هستند که با رژیم شاه مخلوع پیوند دارند . آنها می‌خواهند رژیم سابق را بازگردانند . آنها مشغول سازمان دادن خود هستند . آنها یک سازمان مخفی از افسران مرتجع تشکیل داده‌اند . درست به همین جهت است که باید ارتش را به طور کامل تصفیه کرد و از این عناصر هوادار شاه مخلوع خلاص شد . تا زمانی که این کار انجام نگرفته است ، همیشه خطر این هست که در یک وضع بحرانی ، ارتش و یا بخشی از آن ، یک نقش ارتجاعی بازی کند .

س : آیا مقصودتان این است که بخشی از ارتش در چنین وضعی ممکن است کودتا کند ؟

ج : بله ، کودتا .

س : نظر شما درباره طرح قانون اساسی که در روزنامه کیهان منتشر شده ، چیست ؟

ج : برخی از موارد این طرح بسیار جالب است ، از جمله درباره ملی کردن بانک‌ها ، شرکت‌های بیمه و صنایع سنگین . اینها بخشی از سیاست حزب توده ایران است . این مواد و مواد شبیه آن کاملاً مترقی است ، ولی در عین حال تضادهایی هم بویژه در زمینه حقوق مردم ، آزادی عقیده و بیان و حق انتخاب شدن در مجلس ، در این طرح دیده می‌شود . در این طرح به همه احزاب آزادی فعالیت سیاسی داده شده است ، ولی حق انتخاب شدن در مجلس و شرکت در دولت از آنها سلب گردیده است . مادامی که می‌گویند نمایندگان مجلس نباید گرایش چپ یا راست داشته باشند ، می‌تواند علیه چپ مورد سوءاستفاده قرار گیرد .

س : عقیده شما درباره خطر جنگ داخلی چیست ؟

ج : من فکر نمی‌کنم جنگ داخلی درگیر شود . نیروهایی که بتوانند چنین جنگی را آغاز کنند ، هنوز وجود ندارند . ارتش تقریباً به طور کامل در هم شکسته و نفوذی در بین مردم ندارد . سربازانی که تازه به خدمت فراخوانده شده‌اند ، همان کسانی هستند که چند ماه پیش در خیابان‌ها برای انقلاب جنگیده‌اند ، ولی در یک وضع بحرانی ممکن است گروه کوچک به یک کودتا دست بزنند .

س : نظر شما درباره نیروهای چپ در ایران چیست ؟

ج : مهمترین نیروی چپ در ایران ، حزب توده ایران است . سایر نیروهای چپ مرتکب اشتباهات سنگین تاکتیکی شده‌اند . صادق‌ترین این گروه‌ها ، چریک‌های فدائی خلق اند ، ما این گروه را بخشی از نیروهای چپ و جنبش انقلابی می‌دانیم ، ولی آنها خیلی جوان و بی تجربه‌اند . پس از سقوط شاه مخلوع ، این گروه اشتباهات زیادی کرده و عواقب این اشتباهات خیلی منفی بوده است . بزرگترین اشتباه چریک‌های فدائی خلق ، تحریم رفراندوم در مورد استقرار

جمهوری اسلامی بوده است. آنها همچنین نیروهای مسلمان را علیه خود تحریک کرده‌اند. نیروهای چپ دیگری هم هستند که مسلمانند. آنها مارکسیست - لنینیست نیستند، ولی جزء نیروهای چپ محسوب می‌شوند و هوادارانی در بین طبقه کارگر دارند؛ اینها مجاهدین خلقند که از حقوق مردم دفاع می‌کنند. گروه‌های چپ دیگری هم در بین دانشجویان و روشنفکران هستند که ریشه‌ای در بین کارگران و دهقانان ندارند، اینها گروه‌های کوچکی هستند که مشی‌های بسیار گوناگونی را دنبال می‌کنند.

ما هوادار تشکیل یک جبهه متحد خلق مرکب از همه نیروهای صادق انقلابی هستیم، از حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین خلق که هوادار آیت الله خمینی هستند گرفته تا چریک‌های فدائی. این جبهه باید براساس برنامه مشترکی علیه امپریالیسم، سرکوب بقایای رژیم شاه مخلوع، به خاطر دموکراسی و حقوق مردم زحمتکش ایران تشکیل شود. به نظر ما، این جبهه می‌تواند این طبقات و گروه‌ها را متحد کند و در واقع هم، مسئله اتحاد آنها حیاتی است. (۶) (ضمیمه دارد)

۲۹

در حالی که احزاب، گروه‌ها و جریان‌های مختلف مذهبی و غیرمذهبی در تلاش توسعه تشکیلات و جذب هرچه بیشتر عضو و هوادار هستند، نیروهای ارتشی به دلیل عدم تجربه سیاسی و تازه وارد بودن به مسائل اجتماعی - سیاسی، منبع مناسبی برای جذب نیرو محسوب می‌شوند، در این صورت نگرانی آسیب دیدن یکپارچگی نیروهای مسلح و بخصوص حضور احزاب غیرمذهبی و وابسته به عقاید و حتی دولت‌های بیگانه در ارتش یک نگرانی جدی خواهد بود. از این رو سیاست نظام جمهوری اسلامی در این باره علی‌رغم وجود فضایی نه چندان متناسب با این امر، در جهت گیری رفع کامل این نگرانی قرار گرفت و در پی آن، وزیر دفاع با صدور بخشنامه‌ای شرکت نظامیان را در تمامی احزاب و دسته‌ها و سازمان‌های سیاسی ممنوع اعلام کرد. در این بخشنامه آمده است:

۱ - پس از به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران که در سرلوحه آن اعاده تمام آزادی‌های فردی و اجتماعی، استقرار دموکراسی، احقاق حقوق مستضعفین و کوتاه کردن دست غارتگران و چپاولگران داخلی و خارجی قرارداشت، تامین آزادی‌های فردی پرسنل ارتش مورد نظر قرار گرفته و در مورد شرکت پرسنل نظامی در احزاب و دستجات سیاسی نظراتی ابراز گردید.

۲ - پس از انجام یک سری بررسی‌های سیستماتیک و در نظر گرفتن جوانب مختلف، شرکت پرسنل در هر نوع فراندوم و رای گیری که به نحوی در تعیین سرنوشت ملت موثر باشد، ضروری تشخیص داده شد لکن با توجه به این که ارتش ارگان اجرایی سیاست دولت بوده و رسالت و مأموریت آن عبارت از حفظ حدود و ثغور مملکت می‌باشد، شرکت پرسنل نظامی در احزاب و گروه‌های سیاسی به عنوان یک عامل تضعیف وحدت و یکپارچگی جامعه ارتش تشخیص داده شد. به علاوه ممکن است وجود ایدئولوژی و عقاید سیاسی متفاوت در ارتش

موجب گردد که عناصر وابسته و متمایل به هر مکتب سیاسی قدرت نظامی خود را در راه دامن زدن به اختلافات ایدئولوژیکی و مسلکی به کار گرفته و در نتیجه موجبات از هم پاشیدگی ارتش، ناامنی و بی ثباتی کشور را فراهم آورند.

۳ - علی هذا با در نظر گرفتن حقوق فردی پرسنل ارتش و با توجه به خطراتی که شرکت آنان در احزاب سیاسی برای کشور در بر خواهد داشت، تصمیم گرفته شد شرکت پرسنل نظامی در احزاب و دستجات سیاسی اکید ممنوع گردد، لکن حق مربوط به شرکت در رفراندومها و انتخابات مختلف در قانون اساسی جدید که قریب تدوین خواهد شد برای آنان منظور گردد.

عباس امیرانتظام سخنگوی دولت در دفاع از این تصمیم گفت: «در هیچ جای دنیا شرکت نظامیان در احزاب سابقه ندارد و این یک امر نادرست و بی معنی است... با نظامیانی که برخلاف بخشنامه فوق عمل کنند و عضویت در احزاب سیاسی را بپذیرند، طبق مقررات نظامی حاکم بر مملکت رفتار خواهد شد و تا وقتی که قوانین تازه‌ای تدوین نشده، قوانین قبلی حاکم و جاری خواهد بود.» (۷)

۳۰

امروز روزنامه لوموند چاپ پاریس مصاحبه اریک رولو خبرنگار خود با امام خمینی را که در شهر قم انجام شده بود، درج کرد. در این مصاحبه رهبر انقلاب که پرسش‌های خبرنگار در خصوص اوضاع سیاسی - اقتصادی و پیروزی انقلاب اسلامی پاسخ داده است. برخی نکات مهم این مصاحبه به نقل از خبرگزاری فرانسه به قرار زیر است: «آیت الله خمینی رهبر مذهبی ایران، امریکا را متهم کرد که سعی دارد به انقلاب ایران لطمه وارد کند و امپریالیسم آمریکا بزرگترین خطر برای ایران محسوب می‌شود.»

مفسر لوموند در این گفتگو از امام پرسید، شنیده‌ام که در بعضی روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون سانسور شدید برقرار است.

آیت الله خمینی از رسانه‌های عمومی انتقاد کرد و گفت: «می‌دانیم که نقائص در رسانه‌های همگانی وجود دارد اما فکر نمی‌کنم که سانسور کامل و سازمان یافته از سوی دولت وجود داشته باشد، گروه‌های ذی نفوذی وجود دارند که موجب سانسور می‌شوند، امیدوارم که این مسئله بتدریج حل شود.»

در این مصاحبه آیت الله خمینی امپریالیست‌ها و ماموران شاه را به تحریک و ایجاد دردسر در شهرستان‌ها متهم کرد و گفت: «متأسفانه ما هنوز موفق نشده‌ایم که مرزهایمان را کنترل کنیم، ماموران خارجی و اسلحه فراوان از این مرزها رخنه می‌کنند.»

خبرنگار لوموند می‌نویسد: «آیت الله خمینی همچنین بسیار نگران اوضاع اقتصادی است که موجب نارضایی عمومی در کشور می‌شود.» خبرنگار لوموند اضافه می‌کند: «اما آیت الله به طور کلی خوشبین به نظر می‌رسد و فکر می‌کند که این مسائل حل خواهد شد.»

آیت الله همچنین در این مصاحبه تأکید کرد که به شکرانه وطن پرستی و اتحاد ملت و به

رغم دسایس دشمنان داخلی و خارجی ما پیروز خواهیم شد. (۸)

آیت الله العظمی خمینی افزود: «عمال امریکا در جریان این ترورها خود را پشت سازمان مذهبی دروغین فرقان پنهان کرده‌اند و پس از این که دستگیر شدند معلوم شد که از قرآن هیچ‌گونه آگاهی ندارند.» آیت الله از فرانسه خواست خود را از هر گونه توطئه کشورهای خارجی علیه انقلاب ایران برکنار نگهدارد. آیت الله با طرح این مسئله به فرانسه پیشنهاد می‌کند چنانچه این توصیه را به کار گیرد، روابطش با ایران توسعه خواهد یافت. (۹)

از سوی دیگر، خبر مصاحبه‌امام با لوموند، در رادیو مسکو به نقل از خبرگزاری فرانسه چنین بازگو شد: «آیت الله خمینی رهبر سیاسی و مذهبی ایران اظهار داشت: امپریالیسم امریکا یکی از خطرهای بزرگ برای ایران است. آیت الله خمینی عمال امریکا را در قتل سرلشکر قره‌نی و آیت الله مطهری مسئول شمرد. آیت الله خمینی تصورات بی پایه و بی اساس را درباره این که گویا محافل چپ ایران پشت سر این قتل‌ها موضع گرفته‌اند، اظهار داشت که محافل چپ به عنوان یکی از نیروهای سیاسی ایران به شمار می‌روند، ارتباطی با این تبه‌کاری‌ها و جریان‌ات ندارند. آیت الله خمینی اظهار داشت عمال امریکا از سازمان دروغین دینی «فرقان» که دست به قتل و کشتار زده است، پشتیبانی می‌کنند.» (۱۰)

۳۱

سولیوان سفیر امریکا در تهران در تلگرامی به وزارت خارجه امریکا و سفارتخانه‌های این کشور در دوبی، قطر، عمان، آنکارا، بغداد، بیروت، بن، قاهره، کابل، اسلام آباد، جده، خارطوم، کویت، پاریس، لندن، پاناما، مسکو، پکن، دهلی نو، پروتاریا، رباط، رم، تل‌آویو، توکیو، تریپلی و تونس تحت موضوع «سیاست خارجی دولت موقت جمهوری اسلامی» با قید فوری، آخرین جمع بندی خود را، درباره ماهیت، مواضع و عملکرد حاکمیت جدید ایران، به نحو زیر اعلام کرد:

«دستگاه حکومت ایران بین دولت موقت جمهوری اسلامی مهدی بازرگان و کمیته‌های انقلاب که به وسیله آیت الله خمینی و رهبران مذهبی هدایت می‌شوند، تقسیم می‌شود. تشکیلات کمیته‌ها به مقدار زیادی مستقل از حکومت عمل می‌کنند و خمینی شخص به هر دو دستور می‌دهد. غالب برخوردهایی بین این دو تشکیلات صورت می‌گیرد، اینها در سیاست خارجی ایران انعکاس دارد. بازرگان و بسیاری از همقطاران او تمایل دارند که سیاست جاری و مسائل امنیتی را در قالب‌های سیاسی رایج حل کنند. تاریخ روابط ایران و روسیه بر دوش آنها سنگینی می‌کند. آنها کلاً محافظه کار بودند و دعوی اصلی آنها هزینه‌های زیادی بود که سیاست شاه بدون در نظر گرفتن نیازهای کشور خرج می‌کرد و نیز رفتاری‌های ایران در خارج از مرزهایش برای نگهداری سیاست غرب.

آیت الله خمینی و طرفدارانش بدبینی قابل ملاحظه‌ای نسبت به روسیه دارند ولی دیدگاه‌های خارجی آنها در این لحظه مقدماتی برپایه دشمنی با شاه و کارهایی که کرده است،

اصول اسلام و عملیات انقلابی بنیان گذاشته شده است. ادامه برخورد بین این دو دیدگاه قالبی است از کوشش‌های داخلی رژیم و پیشرفتش. اگر این دوگانگی بین دولت رسمی و کمیته‌ها منتفی شود، سپس، اندیشه‌ها و افکار و رفتارها ترکیب و درجه بالاتری را کسب خواهند کرد. اگر این برخورد به آرامش نگراید، در اوضاع خارجی ایران تاثیر خواهد گذاشت و این حالت تا موقعی که یک تشکیلات اسلامی نهایتاً مستقر شود و یا این که دولت ساقط شود و یا رفتارش توسط افراد تصحیح نشود، ادامه خواهد داشت. انتصاب اخیر (آوریل) دکتر یزدی یکی از مشاوران نزدیک خمینی به سمت وزیر امور خارجه به جای یکی از رهبران ملی (دکتر کریم سنجابی) قسمتی از کوششی بود در جهت نظم بخشیدن به سیاست خارجی در جهت پیاده کردن نظریات خمینی، ضمناً یزدی مردی از دنیای پیشرفته است و احتمالاً می‌تواند شرایط را درک کرده و بهتر از بقیه مشاوران امام به بازرگان برادری کند.

در ماه‌های آینده ما و دیگر دولت‌ها در زمینه سیاست خارجی ایران با یک تشکیلات ناپایدار روبه‌رو خواهیم بود. خطوط اصلی سیاست - خصوصاً خارجی - به وسیله آیت الله کنترل خواهد شد و دستخوش دخالت‌های او خواهد بود؛ به عنوان مثال: آیت الله دستور قطع روابط با مصر را بدون مشورت با دولت داد. در واقع وزارت امور خارجه باز چیه دست آیت الله است. رئیس کلی سیاست خارجی ایران چنین است:

کوشش فراوان برای اتحاد اسلامی؛ دشمنی عمیق با اسرائیل؛ روابط نزدیک و حسنه با سازمان آزادی بخش فلسطین (PLO)؛ کشش به سوی رادیکال شدن؛ مواجهه با کشورهای عربی و دور شدن از کشورهای عرب محافظه‌کار و رفقای نفتی ایران؛ حمایت شفاهی از جنبش‌های انقلابی دنیای سوم مانند زیمبابوه؛ برقراری روابط با کشورهایی که شاه با آنها رابطه نداشت مثل لیبی، کوبا و جمهوری دمکراتیک خلق یمن؛ ادامه بدگمانی و بدبینی و حملات پراکنده به آمریکا و شوروی؛ شرکت در جنبش کشورهای غیرمتعهد؛ بالابردن قیمت نفت در اوپک؛ اتخاذ سیاست‌های تندروانه در صحنه سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی.

از طرف دیگر، من معتقدم که دولت رسمی برای متعادل کردن روابط دو طرفه سیاسی با آمریکا و سایر کشورهای غربی کوشش خواهد کرد. ملاقات اخیر بنده با نخست‌وزیر و هم‌ردیفان وزیرش تمایلات آنها را به طور واضح برای بستن قراردادهای تکنیکی شامل قطعات یدکی و حضور مستشاران در زمینه نظامی نشان داد. آنها علاقه مندند که هر کاری می‌توانند انجام دهند تا اجازه ندهند جناح اسلامی از پول و اسلحه به عنوان پشتوانه نظریات خود استفاده کند.

حدی را که محافظه‌کارها در زیر نام ملیت علیه‌ایدئولوژی ادعا می‌کنند، قابل اندازه‌گیری نیست و بیشتر ربط دارد به برداشتهای سیاسی مردم، تا یک موضع‌گیری خارجی.

در حال حاضر من هیچ راه حل سریع و موثری که سیاست افراطی نوین ایران را معتدل نماید، نمی‌بینیم. در فرصت‌هایی که به دست می‌آید ما سعی می‌کنیم که ذهن امام خمینی و طرفدارانش را تعدیل کنیم و این عمل را به وسیله افراد نزدیک به او انجام می‌دهیم. موضع ما در

قبال دولت خیلی خوب است. ما می‌خواهیم در برابر درخواست اطلاعات سیاسی و مشاور در ارتش، پاسخ دهیم. در مناقشاتی که قطع به وجود خواهد آمد نقش مثبت می‌خواهیم داشته باشیم. اگر این دولت دوام پیدا کند روابط اقتصادی و سیاسی چنان خواهد بود که یک موقعیت بهتری برای ما به دست خواهد آورد. « (۱۱)

۳۲

سفارت امریکا در تهران در تلگرامی به امضای شلنبرگ به تاریخ ۹ مه ۱۹۷۹ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸) با قید محرمانه به آژانس بین‌المللی ارتباطات ایالات متحده در واشنگتن درباره جو ضد امریکایی در ایران و زمینه‌ها و راه‌های موجود، چنین نوشت:

« الف) روابط ارتباطاتی دوجانبه بین ایران و امریکا را در زمان نوشتن گزارش (مه ۱۹۷۹) می‌توان به عنوان اختلال و جنون از جانب ایرانی‌ها مشخص کرد. عدم اطمینان نسبت به دولت امریکا همه جا گیر شده است و سوءظن کلی به دولت امریکا حاکم می‌باشد. سوءظن به این که امریکا می‌خواهد اهداف امریکا انقلاب را از طریق زیر پایمال کند: از استخدام اعضای سابق ساواک گرفته به عنوان تروریست تا سوءاستفاده از نارضایتی مردم و ایشان را وادار به قیام نمودن و اقلیت‌ها را شوراندن و ضربه به اقتصاد ایران زدن.

اهداف هیئت امریکا در ایران در حال حاضر این است که روابط باز و همکاری را در زمینه‌هایی که دولت موقت نیاز به خدمات و محصولات امریکا دارد، نگه دارد. رسیدن به این هدف در جوی که از نظر روانی دولت امریکا را سرمنشاء همه مشکلات ایران می‌داند و دولت و رسانه‌های گروهی امریکا را باعث آن می‌داند، چیزی جز حدس و گمان نمی‌باشد و ضمن وجهه بین‌المللی اخیر ایران این مسئله را پیچیده تر می‌کند.

ب) نکات و نگرانی‌های اصلی:

۱ - این طرز فکر که امریکا مخالف ایران است و می‌خواهد ایران را مثل سابق "وابسته" به خود نگه دارد، باید خنثی شود.

۲ - روابط غیرامنیتی با ایران از طریق صحبت و عمل تشویق بشود.

۳ - مشکلات دانشجویان ایرانی در امریکا از طریق کلاس‌های زبان انگلیسی و کلاس‌های آشنایی برطرف شوند.

۴ - پرورش و از سرگیری یک سری بحث و برنامه برای امریکایی‌های ایران شناس و همتهای ایرانی شان، تا جنبه مثبت امریکا را از سنت‌های ایرانی نشان بدهد.

۵ - اشاعه این فکر که امریکا با وجود همه بدی‌هایش، محل مساعد، جالب، پر تحرک و فعالی برای صلح و بهبود جهانی است.

۶ - از طریق صدای امریکا، زندگی در امریکا، نظرات مقامات رسمی و غیر رسمی امریکا و اتفاقات جهان را به مقدار بیشتر و فیلتر نشده تری از برنامه فارسی صدای امریکا عرضه نمایم. « (۱۲)



جرج بوش

کاندیدای ریاست جمهوری امریکا

جرج بوش کاندیدای ریاست جمهوری امریکا آشکارا دولت کنونی این کشور را بویژه در مورد بحران ایران به نرمش و ملایمت متهم کرد. به گزارش بخش فارسی رادیو مسکو، جرج بوش با عصبانیت گفت: «عوام فریبی درباره حقوق بشر در ایران لازم نبوده و به هر وسیله‌ای می‌بایست شاه را از پریشانی و درماندگی نجات می‌دادیم.» وی تاکید کرد: «واشنگتن نباید به اخطارهای مسکو توجه می‌کرد، ناوگان نیروی دریایی آمریکا می‌بایستی به خلیج فارس اعزام می‌شد. اگرمن رئیس جمهور بودم ناوگان آمریکا را به حال آماده باش در می‌آوردم و پرچم را بر می‌افراشتم و پابین نمی‌آوردم. به نظر من یک خط مشی سفت و سخت می‌بایست اساس پایه

سیاست خارجی قرار می‌گرفت. اگر من یک رئیس جمهور بودم از همان آغاز کار، منافع استراتژیکی ایالات متحده امریکا را معین می‌کردم و ما باید به جریان امور در ایران شکل لازم را می‌دادیم و تحولات این کشور را به شکل مطلوب خود در می‌آوردیم.» (۱۳)

در این حال، دولت امریکا تلاش می‌کند با در دست‌گیری ابتکار عمل در جنبه‌های مختلف سیاست خارجی و برخورد جدی با آن، مانع تکرار شکست ایران شود. سخنان اخیر وزیر دفاع امریکا در مورد بحران خاورمیانه به این امر اشاره داشت. «هارولد براون» مداخله نظامی آمریکا را در خاورمیانه در صورت نقض قرارداد مصر و اسرائیل و دفاع حیاتی به عنوان یک امر محتمل عنوان کرد و گفت: «بعید نمی‌دانم که امریکا برای دفاع از منافع حیاتی خود در خاورمیانه به نیروی نظامی متوسل شود. اما منافع حیاتی امریکا باید در جریان حوادث این منطقه به طور دقیق تعیین شود.» وی تاکید کرد که مداخله امریکا علاوه بر دادن سلاح‌های نظامی به اسرائیل، به صورت فرستادن ناو و هواپیما برای نشان دادن پرچم ایالات متحده در منطقه خواهد بود. (۱۴)

دولت آمریکا همچنین می‌خواهد نشان بدهد که در سطح رقابت‌های دو بلوک نیز ابتکار عمل را در دست دارد. این دولت اعلام کرد که پس از شش سال و نیم مذاکره درباره قرارداد جدید محدود کردن سلاح‌های استراتژیک (سالت ۲)، امریکا با شوروی به توافق رسیده است. به گزارش رویتر این توافق که جامع‌ترین کوشش برای محدود کردن مسابقه تسلیحاتی است توسط سایروس ونس وزیر خارجه امریکا در کاخ سفید اعلام شد. براون گفت: «به موجب این پیمان دو طرف مجاز است ۲۲۵۰ پرتاب کننده موشک استراتژیکی داشته باشند و این به معنای آن است

که شوروی باید از تعداد موشک‌هایش بکاهد . « (۱۵)

اما از سوی دیگر سایروس ونس وزیر خارجه امریکا عنوان کرد که روابط میان ایالات متحده و عربستان سعودی به خاطر اختلاف نظر شدید دو کشور درباره پیمان صلح مصر و اسرائیل وخیم است . بنابر گزارش رادیو امان ، سایروس ونس گفت : « ایالات متحده روش عربستان سعودی را روش یک کشور میانه‌رو و طرف‌دار تلاش‌های صلح آمیز می‌دانست ولی این روش به دنبال کنفرانس سران بغداد تغییر کرده است . « (۱۶)

۳۴

صدها سرباز اسرائیلی تحت حمایت تانک و توپ ارتش اسرائیل ، ۸ کیلومتر داخل خاک لبنان رخنه کردند و دهکده‌ای را در جنوب لبنان به اشغال در آوردند . به گزارش رویتر در تجاوز نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان دست کم ۲۵ تانک و در حدود ۳۰ خودرو نظامی دیگر شرکت داشتند و به گفته رادیو بیروت هدف نیروهای اسرائیلی از تجاوز به جنوب لبنان تعقیب کماندوهای فلسطینی بوده است . (۱۷)

۳۵

دولت عراق بزودی قراردادی به مبلغ ۱/۵ میلیارد دلار برای خرید ۱۰۰ فروند جنگنده میراژ و دیگر جنگ افزارهای مدرن از فرانسه ، در مقابل تحویل نفت امضا خواهد کرد . به گزارش رویتر به دنبال دیدار وزیر دفاع عراق از فرانسه و انجام دادن مذاکراتی در زمینه خرید هواپیمای میراژ ، هیئتی از وزارت دفاع فرانسه بزودی برای پی گیری مذاکرات و امضای قرارداد به بغداد سفر خواهد کرد . (۱۸) در همین حال رادیو صوت الجماهیر گزارش داد که دکتر سعدون حمادی وزیر خارجه عراق یک سلسله ملاقات با وزیران خارجه برخی کشورهای عربی برادر به عمل آورده است . (۱۹)

۳۶

در گزارشی که امروز یکی از ماموران سفارت امریکا در تهران با عنوان “ نظرات کردها درباره عراق و ایران ” به واشنگتن ارسال کرد ، مطالبی درباره عراق و کردهای عراقی وجود دارد که ذیلا ذکر می‌شود :

« در تاریخ ۳ ماه مه (۱۳ اردیبهشت) به دعوت “ محمد دسکی ” نماینده حزب دمکرات کردستان عراق ، با او ناهار خوردم . هدف ظاهری دسکی حفظ ارتباط با ماموران سفارتخانه بود . حین صرف ناهار وی نکات ذیل را متذکر شد :

۱) روابط عراق و ایران : عراق با استفاده از جلال طالبانی قصد دارد کردهای ایران را تحریک نماید . هدف عراق این است که ثابت نماید اگر ایران با عراق همکاری ننماید ، بغداد می‌تواند وضع رامشکل کند . هدف عمده عراق این است که مطمئن شود دولت جدید در تهران قرارداد الجزیره را معتبر می‌شمارد . خمینی با توجه به محدودیتی که طی اقامتش در عراق داشته است ، گرایش خاصی نسبت به حکومت بغداد ندارد . روابط نزدیک بغداد و شاه یک خاطره تازه است .

- کمی قبل از سقوط شاه ، خواهر وی یک زیارت پرتبلیغات از اماکن متبرکه شیعیان به عمل آورد .
- (۲) کردهای عراق در ایران : کردهای عراقی در ایران گمان می‌کنند که حکومت جدید تهران بر خلاف شاه به آنها اجازه خواهد داد که در مناطق کردنشین سنتی ایران اقامت نمایند . به هر حال ، تعداد کمی از کردهای عراقی در واقع به مناطق کردنشین بازگشته‌اند .
- (۳) کردها و دولت محلی در ایران : در یکی از استان‌های ایران که کردها در آن اکثریت دارند ، رهبری کردها ، یک شورای محلی سنتی را تشکیل داد . شورا بر اساس ابتکار محلی برپا شد بدون آن که دستوری از کمیته‌های تهران گرفته باشد . رهبری کردها با حزب دمکرات کردستان ارتباط داشته است . در دیگر استان‌های ایران که اقلیت کرد بسیاری دارد ، ترکمن‌ها زودتر از همه ، کمیته‌های محلی تشکیل دادند . عدم تمرکز عمده‌ای در ایران احساس می‌شود ، ارتباط مناطق مرزی با مرکز سست است .
- (۴) نظر عراق در مورد مسئله کردها : عراقی‌ها نگران اقلیت‌های کرد خود هستند . اخیر عراق ، ترکیه را تحت فشار قرار داده است تا کردهای آنکارا را تحت کنترل شدید قرار دهد .
- (۵) جنبش کرد بارزانی : پسران ژنرال بارزانی فقید در حزب دمکرات کردستان فعال باقی مانده‌اند . ادیس به‌امور سیاسی و مسعود به‌امور نظامی‌رسیدگی می‌کند . یک نیروی وفادار به طالبانی که از جانب دولت بغداد حمایت می‌شوند ، اخیر به وفاداران بارزانی در نزدیکی تقاطع مرزهای ترکیه - ایران - عراق حمله کردند . “ دوستان کرد ما در ترکیه ” ورق را برگردانده و واحد طالبانی را به خاک و خون کشیدند .
- یادداشت [سفارت] : سری - گمان می‌کنم که سخنان دسکی اساس موافق با گزارش‌های بغداد (بغداد ۱۰۰۶) و اخبار ترکیه (آنکارا ۲۸۶۸ ، وزارت امور خارجه ۱۱۳۲۶۷) باشد . « (۲۰)

ضمیمه خبر شماره ۲۸

علی‌رغم آنچه در این مصاحبه ادعا شد ، کیانوری بعدها در خاطرات خود درباره سازمان مخفی نظامی حزب و تلاش برای جمع آوری و اختفاء اسلحه اظهار داشت :

« یکی از مصوبات پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب (اسفند ۱۳۵۷) ، آماده نگاه داشتن سازمان حزبی برای مقابله با شرایط اضطراری بود . این براساس تجربه‌ای بود که ما از تاریخ گذشته حزب خود (حوادثی مانند جریان آذربایجان ، غیرقانونی شدن حزب در بهمن ۱۳۲۷ و مهمتر از همه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) و تجربه سایر احزاب کمونیست داشتیم . پس از استقرار رهبر حزب در ایران ، یکی از اولین تصمیمات هیئت سیاسی ایجاد سازمان مخفی بود . این تصمیم به اتفاق آراء به تصویب رسید . طبق این مصوبه ، رهبری تشکیلاتی حزب موظف شد که هسته اساسی سازمان نوید را حفظ کند و آن را در سازمان علنی حزب ادغام نکند ، تا این زمان ما عده‌ای را به سازمان نوید جلب کرده و مانع علنی شدن آن - در شرایط انقلابی چند ماهه اول پس از انقلاب - شده بودیم .

پس از این مصوبه ، بتدریج با جلب افراد جدید ، سازمان نوید گسترش داده شد و آقای

محمد مهدی پرتوی مسئول تشکیلاتی و مطبوعاتی سازمان . در این سمت ابقا شد . قرار شد که سازمان برای خود یک چاپخانه مخفی و چندین پایگاه چاپ و تکثیر در تهران و مراکز مهم استان‌ها ایجاد کند و خانه‌هایی را برای اقامت و اختفای رهبری و کادرهای مرکزی حزب در شرایط اضطراری ، مانند یک کودتای ارتجاعی ، تدارک ببیند .

تصمیم بعدی هیئت سیاسی ، پذیرش افراد نظامی به حزب بود . پیش از پیروزی انقلاب عده معدودی از افراد نظامی در آلمان با مرکز حزب تماس گرفته بودند که اولین آنها ناخدا امید احمدی بود که در آن زمان درجه نائبروانی داشت . او در سال ۱۳۵۶ به وسیله عمویش ، دکتر رحیم احمدی - که ساکن آلمان غربی و عضو حزب بود - به ما معرفی شد و آمادگی خود را برای فعالیت اعلام کرد . نائبروان احمدی در آن تاریخ در انگلستان بود و مسئولیت گروه نوبانی که در انگلیس دوره می‌دیدند را به عهده داشت . ما به او توصیه کردیم که به ایران باز گردد و بکوشد تا افراد دیگر را به حزب جلب کند . او پذیرفت و به ایران بازگشت . بنابراین ، در ماه‌های نخستین پس از انقلاب عده‌ای از نظامیان بودند که به حزب گرایش داشتند ...

... به هر حال از همان آغاز فعالیت علنی حزب عده‌ای از افراد ارتش و پلیس که بیشتر افسر و تعدادی درجه دار بودند ، به ما مراجعه می‌کردند و درخواست عضویت در حزب را می‌نمودند ما این افراد را نپذیرفتیم و گفتیم که شما را نمی‌شناسیم . بعد ، تعدادی از آنها از طریق دوستان قدیمی حزب تقاضای عضویت کردند که این بار به عضویت درآمدند . رهبری حزب با در نظر گرفتن تجربه گذشته در زمینه کار مخفی ، هم از این نظر که در شرایط فعالیت مخفی ، اختفا در منازل افسران بهترین امکان است و هم از این نظر که وجود افسران می‌تواند مانند سال‌های ۱۳۳۳ - ۱۳۲۰ از نظر اطلاعاتی کمک موثری به فعالیت حزب باشد ، تصمیم گرفت که این افراد را بپذیرد . در عین حال تصمیم گرفته شد که به هیچ وجه مانند سابق ، سازمان خاص و مستقلی با عنوان سازمان افسری وجود نداشته باشد . در این تصمیم ما تجربه لو رفتن سازمان افسری در سال ۱۳۳۳ را مدنظر داشتیم .

شکل جدیدی که برای سازمان دهی نظامیان توسط ما به کارگرفته شد چنین بود که هر افسر یا درجه دار با یکی از کادرهای سازمان مخفی حزب مرتبط باشد . در شرایط خاصی که چند نظامی از قبل با یکدیگر آشنایی داشتند و گرایش سیاسی یکدیگر به حزب را می‌شناختند ، آنها با هم یک گروه را تشکیل می‌دادند . در نیروی دریایی چنین وضعی بود . ولی حتی همین گروه هم از وجود سایر افراد حزبی در نیروی دریایی نباید مطلع می‌شد . بعدها مواردی بود که گروه اصلی ما در نیروی دریایی به حزب پیشنهاد می‌کرد که فلان کس را به عضویت حزب بپذیریم . آنها نمی‌دانستند که این فرد با حزب مرتبط است .

یکی دیگر از تصمیمات ما که در حقیقت هیچ فایده‌ای نداشت و تنها به بارسنگینی بر گرده حزب بدل شد ، مسئله اختفای سلاح بود . در جریان حوادث ۲۱ و ۲۲ بهمن افراد شبکه مخفی و گروه‌های حزبی مقداری اسلحه از پادگان‌های نظامی و غیره به دست آورده و این سلاح‌ها را جمع و انبار کرده بودند . هنگامی که به ایران آمدم از این جریان مطلع شدم . تا آن جا که در خاطر است و البته افراد دیگری آن را نفی می‌کنند ، پیش از ورود من بخشی از این سلاح‌ها در خانه یکی از افراد شبکه مخفی جاسازی شده بود ولی بقیه هنوز گردآوری نشده و نزد افراد بود ، لکن مهدی پرتوی مدعی است که فقط بخشی از سلاح‌ها جمع

شده بود و هنوز چیزی جاسازی نشده بود و ما منتظر آمدن "کیا" (من) و کسب تکلیف از او بودیم که با این اسلحه ها چه بکنیم. من در این جا یکی از کارهای غلط و اشتباهات بزرگ خود را مرتکب شدم. این تصمیم شخص من بود و واقع افراد دیگر رهبری از آن کوچکترین اطلاعی نداشتند. من به پرتوی گفتم که این سلاحها نگهداری شود. علت این بود که من پیدایش یک شرایط اضطراری مانند حرکت کودتایی از سوی نیروهای راست را محتمل می دانستم و تصور می کردم که شاید این سلاح ها به درد بخورد. افراد سازمان مخفی نیز این سلاح ها را مخفی کردند ... « ۲۱

منابع و ماخذ روزشمار ۱۳۵۸/۲/۱۹

- ۱ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۲۰، ص ۸.
- ۲ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۲۰، ص ۶.
- ۳ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۲/۱۹، ص ۳.
- ۴ - ماخذ شماره ۲، ص ۷.
- ۵ - ماخذ شماره ۳، ص ۳.
- ۶ - روزنامه مردم، ارگان حزب توده ایران، شماره ۱۱، سال اول، ۵۸/۲/۱۹، صفحات ۱ و ۴.
- ۷ - روزنامه اطلاعات ۵۸/۳/۳، ص ۳.
- ۸ - ماخذ شماره ۱، ص ۲، خبرگزاری فرانسه.
- ۹ - ماخذ شماره ۲، ص ۲، خبرگزاری فرانسه.
- ۱۰ - خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، نشریه شماره ۴۸، ۵۸/۲/۲۱، ص ۵، رادیو مسکو، خبرگزاری فرانسه.
- ۱۱ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۶-۱ (تهران، نشر لانه، بی تا) صفحات ۴۷۹-۴۷۷.
- ۱۲ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳۴ (تهران، نشر لانه، بی تا) ص ۱۰۲-۹۹.
- ۱۳ - خبرگزاری پارس، "گزارش های ویژه"، نشریه شماره ۴۷، ۵۸/۲/۲۰، ص ۱۰، رادیو مسکو، روزنامه پراودا.
- ۱۴ - ماخذ شماره ۳، ص ۱، خبرگزاری فرانسه.
- ۱۵ - ماخذ شماره ۲، ص ۳، رویتر.
- ۱۶ - ماخذ شماره ۱۳، ص ۱۶ و ۱۷، رادیو امان.
- ۱۷ - ماخذ شماره ۲، ص ۳، رویتر، رادیو بیروت.
- ۱۸ - روزنامه کیهان ۵۸/۲/۱۹، ص ۳، رویتر.
- ۱۹ - ماخذ شماره ۱۳، ص ۱۸، رادیو صوت الجماهیر.
- ۲۰ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی، جلد ۳۱ (تهران، نشر لانه، بی تا) ص ۱۳۴-۱۳۲.
- ۲۱ - موسسه تحقیقاتی دیدگاه، خاطرات کیانوری (تهران، موسسه اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۱)، صفحات ۵۴۲-۵۴۰.